

جامع الکمالات شیخ یعقوب صرئی

ذات او مظہری بذات خدا

از صفاتش عیان صفت خدا

سرزمین کشمیر از اول گہوارہ علمائے کرام، مفکران، مبلغان، مفسر و شاعران بوده است، در خط مذکور بسیار نویسندگان و مردمان اہل کمال زادہ اندوکی از آن جامع الکمالات حضرت ایشان شیخ یعقوب صرئی است چنانکہ مامی بنیم کہ در عہد اکبر بادشاہ ستارہ زبان و ادبیات فارسی بر عرش ادب تابناک و روشن شد زیرا کہ بسیار شاعران ایران بہ ہند آمدند مانند عرفی شیرازی، آصف خان، بابا طالب اصفہانی وغیرہ و اکبر بادشاہ سخن سرا یاں را خیلی خوش آمدید گفت و ایشان را در دربار خود مقام اعلیٰ داد۔ ولی شاعر بزرگ مامی شیخ یعقوب صرئی در مدح پادشاہان معاصر خود زبان نکلشود

چو غنی از عالمیانم چرا

مدح سلاطین بود آئین مرا

اسم شاعر مایعقوب است و صرئی تخلص میکرد۔ صرئی در سال ۹۲۸ھ پا بہ عرصہ حیات گذاشت۔ اسم پدرش حسن گنائی بود و در زمانہ پیشین گنائی در کشمیر برای نویسندہ یا برائے اہل کمال بکاری بردند۔ از این معلوم میشود کہ اہل خانوادہ صرئی فاضل و کامل بودند۔ حسن گنائی مفت فرزند داشت و صرئی میاں آنھا چہارمین فرزند بوده است۔ صرئی تحصیلات ابتدائی خود را پیش پدر خود بپایان رسانید و در وقت سادگی قرآن حفظ

نمود. صرّتی هم در هشت سالگی به سرودن اشعار فارسی پرداخت پدر وی اشعار ویرا اصلاح می نمود -

چودر سال هشتم نهادم قدم
ز طبعم روان گشت شعر عجم
پدر کردی اصلاح اشعار من
باصلاح بودی مددگار من

وقتیکه صرّتی به نه سال رسید به نزد ملا محمد آنی ز انوی ادب تهبه نمود. ملا محمد آنی یکی از شاگردان مولانا جامی بوده است، چون صرّتی در شعر و سخن کمال یافت راه تصوف و سلوک را به سرپرستی ملا محمد آنی بتدریج طی نمود و هم ملا محمد آنی تخلص وی صرّتی گذاشت. صرّتی استاد دیگر هم داشت اسمش خواجه حافظ بصیر بود که یکی از علمای مصروف آن زمان بود و صرّتی در باره استادان خود بسیار گفته است و استادان هم از مرتبه صرّتی واقف بودند چنانکه ملا محمد آنی وقتیکه اولین شعر صرّتی دید گفت آن وقت نزدیک است که این طفل یعنی صرّتی از محنت خود شهرت پیدا کند و این قول درست آمد و ایشان را لقب جامی ثانی داد. از استاد خواجه حافظ بصیر صرّتی علم بدایع معانی و بیان، منطق تصوف آموخت.

صرّتی در تمام زندگانی خود سفرهای طولانی اختیار کرد و از محبت مشتاق بزرگ و علمای نامدار خیلی استفاده نمود و از ایشان ارشاد و هدایت یافت.

سیاحت بعالم بسی کرده ام
ملاقات با هر کسی کرده ام

خواجه خمی نوشهری که شاگرد شیخ یعقوب صرّتی بود می گوید که صرّتی بیشتر اوقات خود را در هند بگردش بسر برد، گاهی در لاهور و گاهی در دهلی یا آگره اقامت کرد و هم از حج بیت اللّه و زیارت مدینه پاک مشرف شد. شیخ صرّتی در نشر و نظم فارسی کتابهای معتبر از خود باقی گذاشت و بیشتر موضوع که اختیار نموده است تصوف و عرفان است و اولین صوتی که در فکر عقی پرداخت شیخ حسین خوارزمی که اهل سمرقند بود. چنانکه صرّتی می گوید

بار چون در خدمت او باقم
روی دل از غیر خدا تا فتم
چون نظری کرد باین خاکسار
زورقم آمد محیط از کنار

از سلسله های صوفیان صرّتی به سلسله کبرویه متابعت داشت و همین سلسله را پیروی نموده است زیرا استاد وی
خواجه حسین هم ازین سلسله بود و صرّتی در مدح وی بسیار گفته است -

پیرمن مقتدای خوارزی
رهبر و پیشوای خوارزی

رزمی مهدی وقت و هادی ثقلین
مطلب عالم جناب شیخ حسین

شیخ یعقوب صرّتی نه فقط شاعر بود بلکه جامع الکمالات، صوفی بزرگ و عالم و عامل و یکتای روزگار
بود. صرّتی ۷۵ سال عمر یافت و در ۱۲ ماه ذی قعدة ۱۰۰۳ هـ در شهر سرینگرا ازین دارفانی به آندار الباقی سفر کرد. صرّتی
در کشمیر بنام حضرت ایشان معروف است، در سرینگرا آنجا که مرقد صرّتی است. بمناسبت لقب وی با اسم محله
ایشان صاحب مشهور است و مردمان کشمیر ازین زیارت هر روز مستفیض می شوند.
صرّتی یکی از بزرگترین شعرای فارسی گوی کشمیر به شمار می رود. صرّتی تصنیفات متعددی باقی گذاشته است
اما در میان تمام تصنیفات وی خمسه وی مهم تر است. این خمسه بنام پنج گنج معروف است. وی بینی بر پنج
مثنوی است و در تقلید خمسه نظامی گنجوی نوشته است معرّنی مختصری به خمسه صرّتی ملاحظه میشود.

۱- مسلک الاخیار

درین مثنوی صرّتی ذکر تصوف کرده است و اقوال اولیا و مشایخ را به رشته تحریر در آورده است. صرّتی

مسئله‌های گوناگون مردم را در این مثنوی مورد بحث قرار داده است - در ضمن نکته‌های باریک و معانی عرفانی
تصوف را شرح داده است - چنانچه مایه بنیم در این مثنوی صرّنی توحید و وحدانیت، مناجات، نعت رسول
مقبول صلی الله علیه و آله منقبت امیر کبیر، منقبت پیر خود خواجه حسین پاکیزگی قلب و جلسه‌های با پیر طریقت خود را شرح
داده است -

۲- و امق و عذرا

این داستانی است عشقی و متعلق به سرزمین یمن، صرّنی در این مثنوی عشق مجازی را پله اول برای عشق
الهی قرار داده است - این مثنوی با مناجات پروردگار، منقبت سید علی همدانی و پیر خود حسین خوارزمی فضیلت
عشق آغاز میشود پیر خود را پند می‌دهد -

۳- لیلی مجنون

این هم مثنویست که در تقلید نظامی گنجوی نوشته است - صرّنی برای نوشتن این مثنوی خود تو ضیح می‌دهد
که شخصی بصورت خضر علیه السلام در رویا ویرا برای سرودن این داستان عشقی وادار نموده است - بعد از مناجات
پروردگار نعت رسول نامدار، شرح معراج النبی، منقبت خلفای اربعه، منقبت حضرت فاطمه زهرا، منقبت امام
حسن و امام حسین، منقبت امیر کبیر و پیر خود حسین خوارزمی و پند به پیر خود این داستان آغاز می‌شود -

۴- مغازا النبی

این مثنویست مبنی بر جنگهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله که برای نشر و اشاعت دین اسلام با دشمنان دینی
انجام داده است - در این مثنوی صرّنی احوال خود را به تفصیل آورده است -

۵- مقامات مرشد

در مقامات مرشد صرّنی احوال و کشف و کرامات استاد وی شیخ خواجه حسین خوارزمی را شرح داده است. و آن جمله که بایر خود کرده است هم به تفصیل ذکر نموده است. و هم پیر خود را بنام رهنمای راه سلوک، پیر طریقت صرّنی می‌کند. علاوه از این صرّنی دیوان اشعار هم دارد. این دیوان مشتمل بر غزل و رباعیات است. در شعر گفتن صرّنی تقلید خواجه حافظ شیرازی کرده است با وجودیکه صرّنی در غزلیات تقلید شاعران ایرانی کرده ولی بک شعرش جدا است. غزلیات وی عرفانی است و ساده هم. رباعیات صرّنی هم ساده و روان. صرّنی یک مدهوده رباعی دارد. موضوع آنها تصوف و عرفان بوده است.

منت ایزد که باسم علی است

این رباعی ها موافق در حساب

صرّنی علاوه ازین کتاب، ذکریه، مناسک حج، مطلب الطالبین، تقریظ صرّنی بر تفسیر سواطع الهمام فیضی، حاشیه توضیح و تلویح، شرح صحیح بخاری و رواتح نوشته است. شیخ یعقوب صرّنی نه تنها شاعر بود بلکه در نثر فارسی هم دست والا داشت و در علم تفسیر، فقه و حدیث از اکثر استادان معاصر خود گوی سبقت ر بوده بود و بر سیاست ملکی دست داشت. در علوم دینی سند ایام بوده است بدین مناسبت تذکره نویسان ایشان را جامع الکمالات و شیخ ام صرّنی نموده اند. معلوم می شود که شیخ یعقوب صرّنی نه فقط شاعر بزرگ کشمیر بود بلکه یک ولی کامل، صوفی با عمل، رهنمای راه سلوک، مرشد کامل بود و مردمان کشمیر تا ابد ایشان را یاد می کنند و بر اقوالش عمل می کنند.

چنانکه اشاره رفت که شیخ یعقوب صرّنی مرشد کامل بود و علوم ظاهری را خواری دانست و علم معنوی را اصول داشت چنانکه می گوید

علم نه آنست که برتن تند

علم همانست که بردل زند

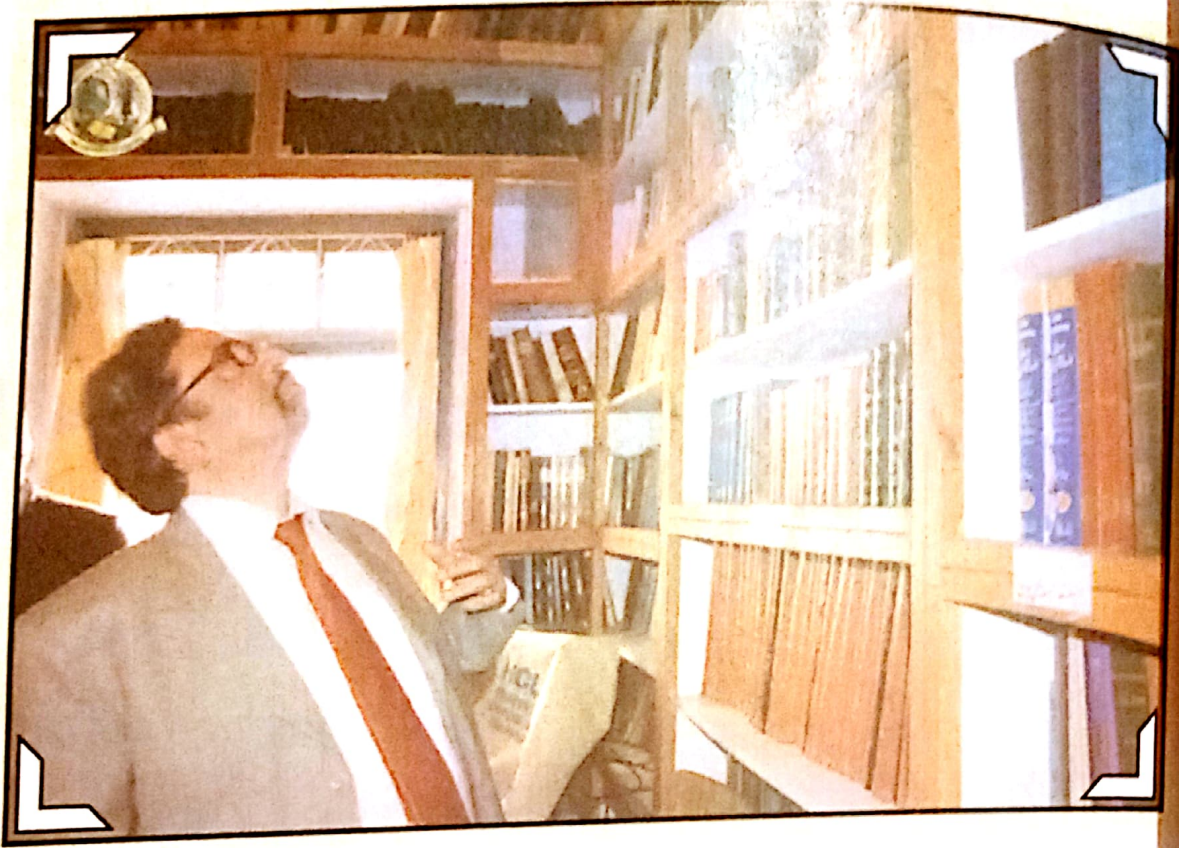
علم که برتن تند آن مارتست

علم که بردل زند آن یازتست

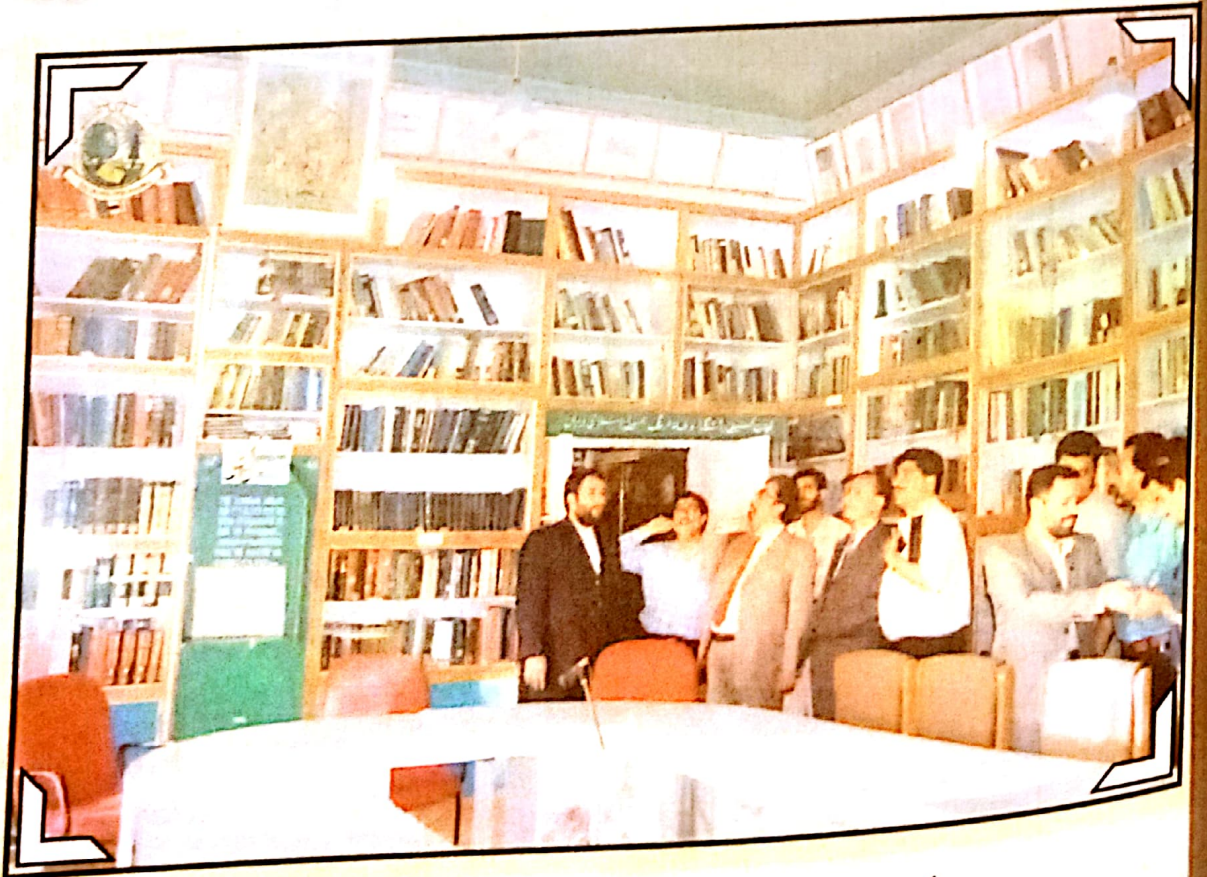
یعنی علم آنست که از آن شما پروردگار را بشناسید و در عشق پروردگار مستغرق می شوید و برای این لازم است که قلب
راه سلوک را به حقیقت از خود آشنای شود - صرنی قایل به فلسفه وحدت الوجود بوده است - صرنی پاکیزگی باطن
را بر پاکیزگی ظاهری ترجیح می دهد - صرنی خدای متعال را قادر مطلق تسلیم نموده و ثبات این کائنات را از خود
قرار داده است - و بر بی ثباتی جهان حسیلی تکرار کرده است - صرنی آن صوفی بزرگ کشمیر است که بسیار
طالب راه سلوک و بنده پروردگار از ایشان فیض یافته اند و صرنی در کشمیر بسیار طالبان حقیقی را راهنمایی کرده است
- صرنی نه فقط مردمان کشمیر را درس داده است ولی اسم کشمیر را در سراسر جهان مشهور ساخته است و دنیا را خبر داده
است که این کشمیر گهواره علم و ادب است - نه فقط جای خوب است ولی خط علم و ادب و فرهنگ و سرزمین
شاعران نامدار و عالمان و فاضلان هم است -

حوالہ جات

- ۱- مسلک الاخیار۔ صر فی برگ۔ ۵۲ نسخہ خطی۔ شمارہ ۱۳
- ۲- لیلیٰ و مجنون۔ صر فی برگ۔ ۱۱ نسخہ خطی۔ شمارہ ۱۳
- ۳- مغاز النبی۔ صر فی۔ ص۔ ۱۱
- ۴- لیلیٰ و مجنون صر فی برگ۔ ۳۴ نسخہ خطی
- ۵- مقامات مرشد۔ صر فی۔ مخطوط برگ۔ ۱۵-۱۶
- مسلک الاخیار۔ صر فی برگ۔ ۱۴



وائس چانسلر شعبہ فارسی کے کتابخانہ کا معائنہ کرتے ہوئے



وائس چانسلر ہمراہ یہ مہمان خصوصی شعبہ کی لائبریری دیکھتے ہوئے



وائس چانسلر، مہمان خصوصی اور صدر شعبہ فارسی طلباء کے پروگرام کو سراہتے ہوئے



شعبہ فارسی کے طلباء، پروگرام سے اطف اندوز ہو رہے ہیں